

کلیات حقوق تجارت

نسبت بصر گتهای سهامی محدود

جلوگیری از این امر در موقع انتشار سهام بی نام باید اساسنامه شرکت مشتمل بر مقرراتی باشد که دارندگان سهام بی نام را در حکم اعضاء شرکت بتوان شناخت .

مطالبه اقساط سهام

ماده ۳۲ قانون تجارت مینویسد هر کس که تعهد اقباع سهامی را کرده و در موعد مقرر وجه تعهد شده را نپردازد الی آخر . . .

مقصود از تعهد اقباع سهام و موعد مقرر آنست که مؤسسين شرکتی ممکن است قبل از تشکیل شرکت در اعلان دعوت عموم برای تعهد سهام قید کرده باشند که تقاضا کننده باید در موقع امضای تقاضا نامه صدی بیست و پنج مبلغ اسمی و در موقع اعلام توزیع سهام صدی پانزده و سه ماه بعد از تشکیل قطعی شرکت (رجوع شود بماده ۴۷ قانون تجارت) صدی ده و بقیه مبلغ اسمی سهام را هر وقت که مجمع عمومی تصویب نمود و یا مدیران شرکت با استناد مقررات اساسنامه تقاضا نمایند باید پرداخته شود . بنابراین پرداخت صدی بیست و پنج باید در موقع تعهد سهام به عمل آمده و صدی پانزده و صدی ده باید در موعد مقرر تادیه شود یعنی صدی پانزده در موقع اعلام توزیع سهام و صدی ده سه ماه بعد از تشکیل قطعی شرکت .

مطابق مفهوم ماده ۳۲ عدم پرداخت وجه در موعد مقرر بغیر از پرداخت وجه مزبور مستلزم پرداخت خسارت تاخیر تادیه از قرار صدی ۱۲ در سال خواهد گردید . همینکه موعد مقرر رسید و وجه پرداخته نشد هر چند از یکطرف پرداخت خسارت تاخیر تادیه لازم گردیده ولی از طرف دیگر این تاخیر مستلزم ضبط سهام نشده است . زیرا ماده ۳۳ می نویسد اساس نامه شرکت میتواند

در شرکت هائی که دارای سهام بی نام باشند مدیران شرکت در موقع دعوت مجمع عمومی شرکت با در نظر گرفتن مقررات اساسنامه چند روز قبل از تشکیل مجمع عمومی را برای ارائه و تسلیم ورقه سهام بی نام و گرفتن رسید سهام و اجازه برای حضور یافتن در مجمع عمومی شرکت تعیین مینمایند .

اشخاصی که سهام مزبور را بدفتر شرکت تسلیم نمایند تصدیقی با ذکر تعداد سهام برای حضور یافتن در مجمع عمومی بانها داده میشود .

بعد از تشکیل مجمع عمومی دارندگان تصدیق مجدداً باید بدفتر شرکت مراجعه نموده و در مقابل تسلیم نمودن اوراق تصدیق سهام بی نام خود را دریافت دارند .

شرکت ممکن است مقررات خاصی در مورد فقدان تصدیق های مزبور وضع نماید که در این صورت شخصی که تصدیق خود را مفقود نموده باید کلیه شرایط مزبور را رعایت نماید و در حکم آنست که شخص مزبور صاحب سهام بانام شرکت بوده است .

بعد از آنکه سهام بی نام صادر گردد دفتر صاحبان سهام که نام آنها در آن ثبت میشود از بین رفته و بجای آن فقط دفتری بنام دفتر سهام باقی میماند .

دفتر مزبور فقط شامل شماره تصدیق سهام بی نام و تعداد سهامی که در هر ورقه صادر شده و مبلغ نامی هر سهم و جمع کل مبلغ نامی سهام خواهد بود .

چون ممکن است در اساسنامه قید شده باشد که صاحب سهم شخصی است که نام او در دفتر اعضاء ثبت شده بنابراین در مورد سهام بی نام میتوان گفت که دارندگان آن در حکم عضو شرکت نیست .

البته ممکن است این تصور را نمود ولی اغلب برای

نسبت باشخاص مذکور در ماده فوق ترتیب دیگری اتخاذ نموده و حتی مقرر دارد که در صورت عدم تادیه بقیه قیمت سهام مقدار تادیه شده از آن بابت بلا عوض تعلق بشرکت یافته و تعهد کننده نسبت به سهام حقی نداشته باشد لکن در این صورت پرداخت وجه تعهد شده باید لااقل ۳ مرتبه بوسیله مکتوب با قبض رسید مطالبه و از تاریخ آخرین مکتوب یکماه منقضی شده باشد.

از این رو میتوان فهمید که رسیدن موعد مستلزم پرداخت خسارت تادیه و مطالبه بنحو فوق موجب اسقاط حق دارنده سهم نسبت به سهام مورد مطالبه خواهد گردید. هر چند میتوان گفت درج آگهی از طرف مدیران دایر بتقاضای تادیه بقیه قیمت سهام فی نفسه مطالبه است ولی چون این مطالبه مستلزم داشتن موعد است (یعنی مدیران باید موقعی را برای پرداخت آن در آتیه تعیین نمایند) باعث ضبط سهام نخواهد گردید مگر آنکه موعد مقرر رسیده و سه مرتبه نیز پرداخت وجه کتباً از دارنده سهم مطالبه و از آخرین مکتوب نیز یکماه منقضی شده باشد.

تشریفات مربوطه با اعلام مطالبه بقیه قیمت سهام باید بنحوی بعمل آید که در اساس نامه شرکت مقرر گردیده است زیرا در غیر این صورت اعلام مطالبه مبلغی از اثر خواهد بود مثلاً اگر در اساس نامه تصریح شده باشد که مدت فاصله بین تاریخ اعلام مطالبه و تادیه آن نباید کمتر از یکماه و بیشتر از سه ماه باشد ولی مدیران در آگهی مطالبه یکقسمت از بقیه قیمت سهام مبلغی که باید تادیه شود قید کرده ولی ذکر آن از روز پرداخت ننموده باشند در این صورت مسلم است آگهی مزبور نافذ نخواهد بود.

صاحبان سهامی که بقیه قیمت سهام خود را نپرداخته اند میتوانند قبل از مطالبه اسقاط سهام تمهه مبلغ اسمی سهام را تادیه کنند و مدیران نیز در صورتیکه اساس نامه اجازه داده باشد میتوانند فرعی با موافقت طرفین مشروط بر اینکه از حدود مقرر در اساس نامه تجاوز نمایند بصاحبان

سهام مزبور بپردازند.

ضبط سهام

بطوری که قبلاً ذکر شد هر گاه صاحب سهمی در رأس وعده وجه مورد مطالبه را نپرداخته و سه مرتبه بوسیله مکتوب سفارشی وجه تعهد شده از او مطالبه و از تاریخ آخرین مکتوب نیز یکماه منقضی شده باشد در صورتی که اساس نامه شرکت اجازه داده باشد مدیران شرکت از آن تاریخ ببعد و در تمام مدتی که صاحب سهم مزبور وجه مطالبه شده را نپرداخته میتوانند سهام مزبور را ضبط نمایند.

سهامی که بدین طریق ضبط شود ممکن است مجدداً بهر قیمتی که مدیران تعیین نمایند و مشروط بر اینکه اساس نامه اجازه داده باشد بصاحب سهم قبلی فروخت زیرا همینکه سهمی ضبط شد تعهد کننده نسبت به سهام مورد تعهد هیچ حقی نخواهد داشت.

در بعضی از قوانین اروپا مخصوصاً این نکته قید شده است که با وجود ضبط سهام شخص تعهد کننده باید بقیه قیمت سهام را با اضافه فرع آن و همچنین کلیه مخارجی که از طرف شرکت در این خصوص بعمل آمده بپردازد ولی چون ماده ۳۳ می نویسد اساس نامه حتی میتواند مقرر دارد که در صورت عدم تادیه بقیه قیمت سهام مقدار تادیه شده از آن بابت بلا عوض تعلق بشرکت یافته و تعهد کننده نسبت به سهام تعهدی هیچ حقی نداشته باشد. البته مسلم است چون حق صاحب سهم در مقابل تعهد سهام ایجاد گردیده و سهام او نیز ضبط میشود در این صورت میتوان گفت که رابطه بین شرکت و صاحب سهم در اثر ضبط سهام قطع میشود.

هر گاه در اساسنامه قید شده باشد سهامی که ضبط شد غیر قابل باز فروش بوده و آنرا بعداً نباید انتشار داد این شرط در حکم تقلیل سرمایه بوده و هیچگونه تشریفات دیگری که در ماده ۷۴ پیش بینی شده لازم الرعایه نخواهد بود.